

ویژگی‌های فرزند صالح در سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن و حدیث

محمد علی یعقوبی*

چکیده

سبک زندگی در اصطلاح عبارت است از طیف رفتاری‌ای که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده می‌باشد

در سبک زندگی اسلامی آنچه به عنوان یکی از مسؤولیتهای بزرگ والدین برای ایجاد ویژگی ایمان در فرزندان مطرح گردیده مساله آشنا کردن فرزند با خدا و آفریدگار جهان هستی، پرورش استعداد دینی، ایمان، نماز گزار بودن، محبت اهل بیت(ع)، آشنایی با دین و احکام و انس با قرآن و ویژگیهای اخلاقی فرزند در سبک زندگی اسلامی را می‌توان عبارت دانست از: صداقت، احترام و خدمت گذاری به والدین، تقوی، امانت داری و پرهیز از دنیا پرستی و انجام کارهای خیر.

ویژگی‌های اجتماعی فرزند صالح در سبک زندگی سلامی باعث می‌شود تا وی با شادابی و نشاط و اعتماد به نفس به تلاش و سعی بپردازد و در برخورد با افراد جامعه از روش صحیح اسلامی تبعیت نماید. پدر و مادر باید مقدمات ایجاد اعتماد به نفس - از قبیل آگاه کردن کودک نسبت به تواناییهای خود، و بر ملا نکردن عیبهایش و ایجاد برنامه در زندگی و نظم در امور - را برای کودک فراهم کنند. ویژگی‌های علمی درست و متناسب با نیازهای کودکان و نوجوان نقش مهمی در سرنوشت آینده آنان ایفا می‌کند، زیرا اساس انسان را فکر و فرهنگ او می‌سازد و اگر این فکر و فرهنگ مبتنی بر آگاهیهای مستند و مستدل دینی باشد زندگی جهت دینی و الهی پیدا می‌کند. از این رو تعلیم مسائل دینی و احکام مذهبی به کودکان در روشنگری ذهن آنان و ایجاد علاقه به امور دینی و استواری در دینداری بسیار حائز اهمیت

* دانش پژوه کارشناسی ارشد، ادیان توحیدی، جامعه المصطفی العالمیه، makyaqubi@gmail.com



است. آموزش دینی را از زمان کودکی آغاز نمود تا مذهب و تعالیم دینی بطور جدی با زندگی فرد آمیخته شود و این ویژگی در او پدید آید و کودک هم در سایه آن، اعتماد به نفس، آرامش روان، نظم و انضباط، صلاح و خوبیها، روحیه ایثار و فداکاری به دست آورد و از جرم و جنایت و بزهکاری دوری جوید از ویژگیهای علمی فرزند صالح در سبک زندگی اسلامی می توان به موارد ذیل اشاره نمود: برخورداری از علوم و فنون و مهارتهای اجتماعی، برخورداری از علوم دینی، ارتباط با علما و دانشمندان.

واژگان کلیدی: سبک، سبک زندگی، فرزند صالح، فرزند صالح، قرآن، حدیث

مقدمه

در این تحقیق بر آن هستیم که با توجه به آیات قرآن و روایات اسلامی به برخی از ویژگیهای فرزند صالح در سبک زندگی اسلامی اشاره بنماییم، ذکر این نکته لازم است که ویژگیهایی که یک فرزند صالح باید داشته باشد بستگی به نوع تربیت و پرورش فرزند توسط والدین و مربیان است که آنها با استفاده از روشهای صحیح و درست اگر اقدام به تربیت فرزندی بکنند مسلم است که نتیجه آن فرزند صالحی خواهد بود مطابق با سبک زندگی اسلامی که دارای ویژگیهای خاصی است که در این تحقیق به آن اشاره می کنیم:

گفتار اول: مفهوم شناسی واژگان

۱. سبک زندگی

معادل واژه «سبک» در زبان عربی تعبیر «اسلوب» و در زبان انگلیسی «style» است. عبارت «سبک زندگی» در شکل نوین آن (life style) اولین بار توسط «آلفرد آدلر» در روانشناسی در سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد: «سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در بر می‌گیرد. موسیقی عامه، تلویزیون، آگهی‌ها، همه و همه، تصورها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند «روش نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ را سبک زندگی گویند» (میرپام و بستر، ۲۰۰۲، ص ۶۷۲) روشی که یک فرد یا گروهی از مردم براساس آن کار و زندگی می‌کنند: یک زندگی سالم و راحت، بخش سبک زندگی مجله (= بخشی از آن که با لباس‌ها، فرصت‌ها، عادات... ارتباط دارد) (آکسفورد ادونس - دیکشنری، oxford Advanced learners Dictionary of current English

۲۰۰۶م، ص ۷۴۳)

مؤلف کتاب «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن»، سبک زندگی را این‌گونه تعریف می‌نماید: «شیوه‌ای نسبتاً ثابت که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند». (کاویانی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۶)

«محمد فاضلی» در کتاب «مصرف و سبک زندگی»، معنای این واژه را عبارت می‌داند از «طیف رفتاری‌ای که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده می‌باشد و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست؛ اگر چه محقق اجتماعی میان آن و بقیه طیف رفتارهای افراد جامعه، تمایز قائل می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۲ش، ص ۸۳)

۲. فرزند

فرزند در لغت عرب معادل کلمه ولد است که مراد از ولد تولد شی از شی دیگر است که همان حاصل شدن از آن می‌باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ذیل واژه ولد) قاموس قرآن در مورد ولد می‌نویسد: ولد به فرزند خواه فرزند انسان باشد و یا غیر آن بر مذکر و مؤنث، تشبیه و جمع اطلاق می‌شود و بر وزن (فرس، فلس، قفل، جسر) خوانده می‌شود (قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۷، ص ۲۴۳)

اصل در معنای کلمه ولد به معنای خروج چیزی از چیز دیگر است و با تکوین و ایجاد شدن به نتیجه می‌رسد. مساوی است این تکوین در حیوان باشد یا در غیر حیوان مادی باشد یا معنوی و از مشخص‌ترین مصادیقش به متولد شدن حیوانات است (مصطفوی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۳، ص ۱۹۸)

۳. صالح

در مجمع البحرین آمده که صالح کسی است که فرائض و دستورات و عبادات خدا را به جای می‌آورد و حقوق مردم را پاس می‌دارد. (طریحی، ۱۹۸۹ م، ج ۲، ص ۳۸۶) برخی دیگر گفته‌اند: صالح کسی است که علاوه بر اینکه شایسته و خوب است از بدی‌ها و فساد و تباهی دور می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶ ش، ج ۲، ص ۴۱۳)

گفتار دوم: ویژگی‌های دینی و اعتقادی

۱. استعداد دینی

حسّ مذهبی و چگونگی تلقی کودک از مفاهیم و تعلیم دینی، از سنین دو تا سه سالگی آغاز می‌گردد. تقلید از پدر و مادر در ادای مراسم مذهبی، و سپس علاقه نشان دادن به انجام رفتار



دینی ، حاکی از وجود استعداد دینی در اوست که باید بطور صحیح هدایت گردد و از حدود سنین هشت سالگی به بعد شوقی در کودکان پدید می آید که برای تکامل روانی خود تلاش کنند و جنبه هایی از ابعاد وجودی خویش را که مخفی است ، آشکار سازند. تلاش آنان ، متوجه ایجاد روابط استوار و جاودان با خداست و این تلاش در سنین دوازده سالگی به صورت عالی متجلی می شود، و عشق نیرومندی به خدا پیدا می کنند و حتی عبادت‌های خوبی انجام می دهند. این تلاشها بیشتر اوقات در این زمینه است که هویت خود را به دست آورند و برای جاودانگی خود فکری کنند و زندگی ارزنده ای را برای خود پدید آورند. (قائمی ، ۱۳۷۱ش ، ص ۵۴ - ۵۵) بر همین اساس است که هدایت و راهنمایی صحیح پدر و مادر در شکوفایی استعداد دینی کودک و پرورش حس مذهبی نقش بسزایی دارد و موجب می شود که فرزند این ویژگی را بدست آورد لذا امام سجّاد (ع) در تبیین این وظیفه دینی پدر فرمود:

«**اِنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ بِهٖ مِنْ حُسْنِ الْاَدَبِ وَالدَّلَالَةِ عَلٰی رَبِّهٖ** (این شعبه حرانی ، ۱۴۱۶ق ، ص ۱۸۹) ؛ تو (پدر) در سرپرستی فرزند خود مسؤول هستی که کودک را با ادب و اخلاق پسندیده پرورش دهی و او را به سوی پروردگارش راهنمایی کنی.»

۲. ایمان

قرآن در مورد حقیقت "ایمان" ، چنین می گوید: «**قَالَتِ الْاَعْرَابُ اَمَنَّا قُلْ لَمَّ تُؤْمِنُوا وَ لٰكِن فُوَلُوا اَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْاِيْمَانُ فِيْ قُلُوْبِكُمْ** (حجرات/۱۴)؛ اعراب بادیه نشین گفتند: ایمان آورده ایم، به آنها بگو: شما ایمان نیاورده اید، بگوئید اسلام آورده ایم، ولی هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است»

ایمان یک امر واقعی و باطنی است و جایگاه آن قلب آدمی است، نه زبان و ظاهر او "اسلام" ممکن است انگیزه های مختلفی داشته باشد، حتی انگیزه های مادی و منافع شخصی، ولی "ایمان" حتما از انگیزه های معنوی، از علم و آگاهی، سرچشمه می گیرد، و همان است که میوه حیات بخش تقوی بر شاخسارش ظاهر می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱ ش، ج ۲۲، ص ۲۱۰).

همچنین در سوره لقمان چنین آمده است: «**وَ اِذْ قَالَ لُقْمٰنُ لِابْنِهٖ وَ هُوَ يَعِظُهٗ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ اِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيْمٌ** (سوره لقمان / ۱۳) ؛ هنگامی که لقمان فرزندش را موعظه می کرد به او گفت : پسرم ! به خدا شرک موز که شرک ظلم بزرگی است.»

حکمت لقمان ایجاب می کند که قبل از هر چیز به سراغ اساسی ترین مساله عقیدتی برود و آن مساله توحید است ، توحید در تمام زمینه ها و ابعاد، زیرا هر حرکت تخریبی و ضد الهی از شرک

سرچشمه می گیرد، از دنیا پرستی، مقام پرستی، هواپرستی و مانند آن، که هر کدام شاخه ای از شرک محسوب می شود، همان گونه که اساس تمام حرکت‌های صحیح و سازنده توحید است. لقمان حکیم دلیل بر نفی شرک را ذکر می کند که شرک ظلم عظیم است، آن هم با تعبیری که از چند جهت تاکید در بر دارد و چه ظلمی از این بالاتر که هم در مورد خدا انجام گرفته که موجود بی ارزشی را همتای او قرار دهند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱ ش، ج ۱۷، ص ۳۸)

آنچه در روایات اسلامی بخصوص در رساله حقوق امام سجّاد(ع) به عنوان یکی از مسؤولیتهای بزرگ والدین برای ایجاد ویژگی ایمان در فرزندان مطرح گردیده مساله آشنا کردن فرزند با خدا و آفریدگار جهان هستی است، امام سجّاد(ع) در رابطه با وظیفه پدر فرمود: «**وانک مسؤل عما ولیته به من حسن الادب والدلاله علی ربه**» (طبرسی، ۱۳۷۱ ش، ص ۴۲۱)؛ و تو نسبت به سرپرستی فرزند خود مسؤل ولایت داری که او را خوب تربیت کنی و پروردگارش را به او بشناسانی»

۳. نماز گزار بودن

یکی از ویژگی های مهم فرزند صالح این است که نماز گزار باشد، آیات فراوانی بر وجوب نماز دلالت دارد همانند «**یا بُنِیْ اَقِمِ الصَّلَاةَ**» (سوره لقمان/۱۷)؛ پسر نماز را بر پا دار» زیرا که نماز مهمترین پیوند با خالق است، نماز قلب را بیدار و روح را مصفی، و زندگی را روشن می سازد. آثار گناه را از جان می شوید، نور ایمان را در سرای قلب پرتوافکن می دارد، و از فحشاء و منکرات باز می دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱ ش، ج ۱۷، ص ۵۳).

حضرت علی(ع) فرموده اند: به بچه های خود نماز را یاد دهید، و در هشت سالگی آنها را وادار کنید به نماز خواندن (حر عاملی، ۱۳۸۹ ق، ج ۳، ص ۱۳).

و نیز آمده است که شخصی از امام رضا(ع) پرسید: کسی فرزندش یکی دو روز نماز نمی خواند، آیا می تواند او را مجبور کند؟

حضرت فرمود: آن پسر چند ساله است، گفت: هشت ساله است، حضرت با تعجب پرسید: سبحان الله (بچه هشت ساله) نماز نمی خواند؟! آن مرد گفت: بیماری دارد، حضرت فرمود: هر مقدار که می تواند نماز بخواند. (حر عاملی، ۱۳۸۹ ق، ج ۳، ص ۱۳)

آری پس از سن هفت سالگی، پدر و مادر می بایست، فرزند خود را با نماز که اساس دین، و ستون آن است آشنا کنند، و بوسیله تشویق و مراقبتهای پی در پی سعی کنند بچه را به نماز عادت دهند تا هر چه بیشتر با خدا آشنا شود و این ویژگی در او نهادینه شود زیرا از اصلی ترین ویژگی های فرزند صالح نماز گزار بودن اوست.

۴. محبت اهل بیت (علیه السلام)

از سفارشهای مهم ائمه و معصومین (ع) است که فرزندانمان را با محبت آنها آشنا سازیم و این ویژگی باید در فرزند صالح باشد.

قرآن می فرماید: «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (سوره شوری/۲۳)؛ بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم» سیوطی در ذیل آیه مورد بحث از مجاهد از ابن عباس نقل کرده که در تفسیر آیه فوق گفت: «ان تحفظونی فی اهل بیتی و تودوهم بی (سیوطی ، ۱۴۱۴ ق ، ذیل آیه مورد بحث- جلد ۶ صفحه ۷)؛ منظور این است که حق مرا در اهل بیتم حفظ کنید، و آنها را به سبب من دوست دارید»

الکسیس کارل می گوید: افراد انسانی را نمی توان چون ماشینهای یک کارخانه یکسان و یک شکل ساخت . از آنجا که افراد آدمی متفاوتند و از عهده تربیت دسته جمعی به خوبی بر نمی آیند، تربیت خصایص اخلاقی و هنری و مذهبی کودک نیز ضروری است ، نقش پدر و مادر در این اوان ، آنقدر بزرگ است که نمی توان از آن چشم پوشید. (کارل ، ۱۳۸۴ ش ، ص ۳۰۴) لذا روایات فراوانی داریم که پیامبر (ص) به پدران و مادران سفارش فرموده که فرزندان خود را بر محبت اهل بیت پیامبر (ص) بخصوص علی (ع) تربیت نمایند.

امام علی (ع) از پیامبر (ص) نقل می فرماید: «ادبوا اولادکم علی ثلاث خصال: حب نبیکم و حب اهل بینه و قراءه القرآن (متقی ، ۱۴۰۹ ق ، ج ۱۶ ، ص ۴۵۶)؛ فرزندان خود را بر سه خصلت تربیت کنید: محبت پیامبرتان و محبت اهل بیت او و خواندن قرآن»

ابو زیبر مکی نقل می کند: جابرین عبدالله انصاری را در حالی دیدم که با تکیه بر عصای خود در کوچه های انصار و مجالس آنان (در مدینه) گردش می کرد و این جمله را می گفت : « علی بهترین بشر است و هر کس منکر شود کافر است ، ای گروه انصار: فرزندان خود را بر محبت علی بن ابی طالب (ع) تربیت کنید» (شیخ صدوق، ۱۴۰۰ ق ، ص ۶۸)

۵. آشنایی با دین و احکام

آگاهی های دینی درست و متناسب با نیازهای کودکان و نوجوان نقش مهمی در سرنوشت آینده آنان ایفا می کند، زیرا اساس انسان را فکر و فرهنگ او می سازد و اگر این فکر و فرهنگ مبتنی بر آگاهیهای مستند و مستدل دینی باشد زندگی جهت دینی و الهی پیدا می کند. از این رو تعلیم

مسائل دینی و احکام مذهبی به کودکان در روشنگری ذهن آنان و ایجاد علاقه به امور دینی و استواری در دینداری بسیار حائز اهمیت است.

قرآن می‌فرماید: «فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» (سوره توبه / ۱۲۲)؛ پس چرا از هر گروهی از آنان، دسته‌ای بسیج نمی‌شوند (و کوچ نمی‌کنند)، تا در دین، فهم عمیق نمایند»

شک نیست که منظور از "تفقه" در دین فراگیری همه معارف و احکام اسلام اعم از اصول و فروع است، زیرا در مفهوم تفقه، همه این امور جمع است، بنا بر این آیه فوق دلیل روشنی است بر اینکه همواره گروهی از مسلمانان به عنوان انجام یک واجب کفایی باید به تحصیل علم و دانش در زمینه تمام مسائل اسلامی بپردازند این آیه دلیل روشنی است بر وجوب تعلیم و تعلم در مسائل اسلامی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱ ش، ج ۸، ص ۱۹۳)

روزی پیامبر اکرم (ص) با دیدن بعضی از کودکان فرمود: «وای به حال کودکان آخر زمان از دست پدرانشان! عرض شد یا رسول الله (ص) از پدران مشرک آنها؟ فرمود: نه. بلکه از پدران مسالمانشان که چیزی از فرائض مذهبی را به آنان نمی‌آموزند، و اگر فرزندان بخواهند خود در صدد آموزش مسائل دینی باشند آنان را از این امر باز می‌دارند. و تنها به این دلخوشند که فرزندانشان بهره‌ناچیزی از دنیا به دست آورند. من از این قبیل پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵، ص ۱۶۴)»

از وقتی که کودک زبان به تکلم باز می‌کند دوره آموزش او شروع می‌شود و تا سنین رشد مراحل را طی می‌کند که اگر والدین و مربیان بر طبق تعالیم قرآن و معصومین کودک خود را پرورش دهند نتیجه آن فرزند صالح خواهد بود.

۶. انس با قرآن

قرآن آخرین کتاب آسمانی است که تمام قوانین هدایت و سعادت انسان‌ها را در بر دارد. خداوند می‌فرماید: «فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (سوره مزمل/۲۰)؛ آن مقدار از قرآن که برای شما میسر است تلاوت کنید»

بدیهی است منظور از "تلاوت قرآن" در اینجا تلاوتی است به عنوان درس و فراگیری برای خودسازی و پرورش ایمان و تقوا. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱ ش، ج ۲۵، ص ۱۹۴)

همچنین در دو جا می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ» (سوره نساء/۸۴)؛ سوره محمد /۲۴)؛ آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟»



ائمه طاهرين(ع) نیز علاوه بر این که خود به قرآن عنایت بسیار داشتند، فرزندان خود را به قرائت ، حفظ و آموزش قرآن و عمل به آن بشویق و توصیه می کردند، و آموزش قرآن را یکی از حقوق مسلم فرزند بر گردن والدین می دانستند و فرموده‌اند: «**حق الولد علی والده اذا کان ... انشی ... يعلمها سوره النور**(حر عاملی ، ۱۳۸۹ ق ، ج ۱۵ ، ص ۱۹۹)؛ حق فرزند بر پدر آن است که اگر دختر بود سوره نور را به او تعلیم دهد.»

امیر مومنان(ع)، فرزندش امام حسن(ع) را این چنین به قرآن سفارش کرد: «**اللّٰه الله فی القرآن فلا یسبقکم الی العلم به غیرکم** (ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۶ق ، ص ۱۹۴)؛ خدا را خدا را درباره قرآن ، مبدا دیگران در فهم قرآن بر شما پیشی بگیرند.»

آموزش این کتاب آسمانی ، از حقوق مسلم فرزندان است که پدران باید از عهده آن برآیند، و آنان را با قرآن آشنا سازند بدین معنی که یا خود بشخصه قرآن را به آنان بیاموزند یا برای آنان معلم بگیرند. رسول خدا(ص) فرمود: «**حق الولد علی والده ان یحسن اسمه ... و یعلمه الكتاب** (متقی ، ۱۴۰۹ ق ، ج ۱۶ ، ص ۴۱۷)؛ حق فرزند بر پدر آن است که به او قرآن بیاموزد.» امام صادق(ع) فرمود: «**علموا اولادکم یس فانها ریحانه القرآن** (طوسی ، ۱۴۱۴ ق، ج ۲ ، ص ۲۹۰؛ نوری ، ۱۴۰۸ق ، ج ۴ ، ص ۳۲۵) ؛ به فرزندانان سوره یس بیاموزید زیرا این سوره ، گل (باغ) قرآن است.»

گفتار سوم: ویژگیهای اخلاقی

فرزند صالح علاوه بر داشتن ویژگیهای دینی و اعتقادی باید متصف به برخی از صفات و ویژگیهای اخلاقی باشد تا وصف صالح بودن بر او صدق کند. ویژگیهایی همچون صداقت ، احترام به والدین ، تقوا، امانتداری ، پرهیز از دنیا پرستی و انجام کارهای خیر که در این بخش از نوشتار به این دسته از ویژگیها می‌پردازیم.

۱. صداقت

قرآن مجید توجه ویژه به بحث صداقت دارد و در آیات متعدد به این امر سفارش نموده است و می فرماید: «**یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقین** (سوره توبه / ۱۱۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با راستگویان باشید»

«وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» و با کسانی باشید که راست میگویند و دروغگو نیستند. (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ترجمه گروهی، ج ۱۱، ص ۲۳۲) یعنی راه و روش کسی را انتخاب کنید که در گفتار و کردار راستگو است و مصاحب و رفیق آنها باشید.

همچنین خداوند مومنان را اینگونه توصیف می کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (سوره حجرات / ۱۵)؛ مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده اند آنها راستگویانند»

از نظر علامه طباطبائی تعریف مؤمنین به اینکه به خدا و رسول ایمان دارند، و به سایر صفاتی که در آیه آمده، تعریفی است که هم جامع صفات مؤمن است و هم مانع، یعنی هیچ غیر مؤمنی مشمول آن نمی شود. (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۸، ص ۴۹۳)

لذا با توجه آیات قرآن و اینکه از بزرگترین وظایف پدر و مادر در تربیت فرزند، پرورش خصلت راستگویی کودک است می توان دریافت که مهمترین ویژگی اخلاقی فرزند صالح هم راستگویی می باشد، پیامبر اسلام (ص) فرموده اند:

«إِيَّاكَ وَالْكَذِبَ فَإِنَّهُ يُسَوِّدُ الْوَجْهَ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۱۲۵)؛ از دروغگویی بپرهیز؛ زیرا دروغ باعث روسیاهی است.»

کودک از خانواده و اجتماع و از کسانی که در محیط زندگی او هستند، دروغ را می آموزد. پدر و مادر وظیفه دارند عواملی را که باعث دروغگویی کودک می شود از بین ببرند.

برای درمان و اصلاح صفت ناپسند دروغگویی در کودکان راههایی ارائه شده، از جمله: شناخت علل و انگیزه های دروغگویی، آگاهی دادن نسبت به عواقب دروغ، ایجاد محیط سالم و دوری جستن از بدآموزیه ها و الگوهای فاسد، رعایت انصاف از طرف پدر و مادر در ملامت و سرزنش، عفو و بخشش، محدود کردن توقعات از کودکان، ایمن کردن از مجازات و به وجود آوردن احساس و آرامش و اطمینان، پند و اندرز و هشدار به کودک، اعلام و تفهیم نارضایتی و دوست نداشتن دروغگو، ایجاد سرگرمی و مچ گیری در موارد حاد و بالا خره تنبیه و تهدید به اندازه ضرورت (علی قائمی، ۱۳۷۱ش، ص ۲۸۰ - ۲۹۰).



۲. احترام و خدمتگذاری به والدین

از مهمترین ویژگیهای اسلام سفارش به احترام پدر و مادر است و سفارشهای فراوانی در این زمینه هم در قرآن و هم در روایات اسلامی شده است، برخی از آیات قرآن در این زمینه عبارتند از:

۱) «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (سوره اسراء / ۲۴)؛ در برابر آن دو [والدین] از روی مهربانی سر تواضع فرود آر و بگو: ای پروردگار من، همچنان که مرا در خردی پرورش دادند، بر آنها رحمت آر»

۲) «وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ بُولَدِيهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (سوره عنكبوت / ۸)؛ به آدمی سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند و اگر آن دو بکوشند که تو چیزی را که بدان آگاه نیستی شریک من قرار دهی، اطاعتشان مکن. بازگشت همه شما به سوی من است و شما را به کارهایی که می کرده‌اید آگاه می‌کنم.»

۳) «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (سوره انعام / ۱۵۱)؛ و به پدر و مادر نیکی کنید.» ذکر نیکی به پدر و مادر در آیات قرآن دلیل بر اهمیت فوق العاده حق پدر و مادر در دستورهای اسلامی است و این موضوع وقتی روشنتر می‌شود که توجه کنیم به جای "تحریم آزار پدر و مادر"، موضوع احسان و نیکی کردن، ذکر شده است یعنی نه تنها ایجاد ناراحتی برای آنها حرام است بلکه علاوه بر آن، احسان و نیکی در مورد آنان نیز لازم و ضروری است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱ ش، ج ۶، ص ۳۳)

این آیه تاکید می‌کند که موضوع نیکی به پدر و مادر را باید آن قدر اهمیت داد که شخصاً و بدون واسطه به آن اقدام نمود. (محمد رشید رضا، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص ۱۸۵)

ابی ولاد حنات گوید: از امام صادق(ع) راجع به این سخن خداوند که می‌فرماید: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (سوره انعام / ۱۵۱)؛ و به پدر و مادر نیکی کنید.» پرسیدم: این نیکی چیست؟

حضرت فرمود: احسان این است که با آنها خوب برخورد کنی، و آنها را وادار نکنی که از تو چیزی بخواهند وقتی تقاضا دارند، گرچه آنها بی نیاز باشند (یعنی نه تنها باید به پدر و مادر کمک کرد و نه تنها باید قبل از درخواست به آنان کمک کرد بلکه اگر خودشان هم می‌توانند حوائج خود را تهیه کنند باز فرزند، کار آنها را انجام دهد) سپس حضرت فرمود: اگر تورا ناراحت کردند اف نگو و اگر تو را زدند آنها را از خود مران، به پدر و مادر خیره مشو مگر از روی مهربانی و

محبت و صدایت را بلندتر از صدای آندو مکن و دستت را هم روی دست آندو بلند مکن و جلوتر از آنها قرار مگیر.» (حر عاملی، ۱۳۸۹ ق، ج ۱۵، ص ۲۰۴ - ۲۰۶)

۳. تقوی

تقوی از مواردی است که قرآن به آن اهتمام خاصی دارد و در آیات مورد لزوم آن را یاد آوری می‌کند:

"تقوا" در اصل از ماده "وقایه" به معنی نگهداری یا خویشتن داری است در عرف شرع، تقوا به معنی خویشتن داری در برابر گناهان است و "کمال تقوا" آنست که از مشتبهات نیز اجتناب شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶ ش، ذیل واژه وقایه)

قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (سوره حجرات/۱۳)؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است»

قرآن تقوی را بهترین زاد و توشه شمرده، می‌گوید: «و تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (سوره بقره/۱۹۷)

و در جای دیگر لباس تقوی را بهترین لباس برای انسان می‌شمرد «و لِبَاسِ التَّقْوَى ذَلِكِ خَيْرٌ» (سوره اعراف/۲۶)

علی(ع) می‌فرماید: «إلا و ان التقوی مطایا ذلل، حمل علیها اهلها و اعطوا ازمتها، فاوردتهم الجنة» (محمد دشتی، ۱۳۷۹ ش، خطبه ۱۶)؛ تقوا همچون مرکبی است راهوار که صاحبش بر آن سوار است و زمامش در دست او است و تا دل بهشت او راه پیش می‌برد»

علی(ع) در جای دیگری می‌فرماید: «ان تقوی الله مفتاح سداد و ذخیره معاد و عتق من کل ملکه و نجاه من کل هلکه» (همان، خطبه ۲۳۰)؛ تقوا و ترس از خدا، کلید گشودن هر در بسته‌ای است، ذخیره رستاخیز، و سبب آزادی از بردگی شیطان و نجات از هر هلاکت است»

لذا با توجه به آیات و روایاتی که در باب امر به تقوی برشمردیم به نظر می‌رسد از ویژگیهای مهم فرزند صالح اهل تقوی بودن او می‌باشد که این ویژگی باید در دوره تربیت کودک و نوجوان در او نهادینه شود.

۴. امانتداری

از صفات پسندیده هر کس امانتداری است. امانت داری به مردم جامعه اعتماد و آرامش می‌بخشد، وقتی همه به هم اعتماد داشتند و بدبینی‌ها از میان رفت، زندگی شیرین می‌شود و مردم بیش از پیش به یکدیگر کمک می‌کنند.

قرآن می‌فرماید: «**إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا**» (سوره نساء/۵۸)؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبان آن برسانید»
در منابع اسلامی به قدری در باره امانت داری تاکید شده که در مورد سایر احکام کمتر دیده می‌شود

۱- از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: «اگر علی(ع) آن همه مقام در نزد پیامبر(ص) پیدا کرد به خاطر راستگویی در سخن و اداء امانت بود.» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۹۶)

۲- از امام کاظم(ع) روایت است که به فرزند خود فرمود: «**یا بنی اد الامانه یسلم لک دنیاک و اخرتک، و کن امینا تکن غنیا**» (مجلسی، ۱۳۹۷ق، ج ۷۵، ص ۱۱۷ و ج ۱۳، ص ۴۱۶)؛ ابن ابی فراس، ۱۳۷۸ش، ص ۴۲۱)؛ فرزندم! امانت را به صاحبش برگردان تا دنیا و آخرت سالم بماند و امانتدار باش. تا توانگر و بی نیاز گردی»

۳- حضرت علی(ع) به فرزند خود امام حسن مجتبی(ع) فرمود: «**ولاتخن من ائتمنک وان خانک**» (مجلسی، ۱۳۹۷ق، ج ۷۴، ص ۲۰۸)؛ فرزندم! به کسی که تو را امین شمرده خیانت مکن اگر چه به تو خیانت کرده باشد.»

۴- لقمان حکیم به فرزند خود گفت: «**یا بنی ایاک ان تستدین فتخون من الدین**» (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۳۳۲)؛ فرزندم! مبادا از دیگران وام بگیری، سپس در ادای آن خیانت کنی»

لذا با این همه توجه و اهتمام قرآن و روایات به امانتداری مسلم است که از ویژگیهای فرزند صالح امانت داری او می باشد.

۵. پرهیز از دنیاپرستی

زندگی در دنیا و استفاده از لذات و نعمتهای آن امری فطری است و کسی نمی تواند جلوی استفاده افراد از این حق مشروع را بگیرد. قرآن مجید نیز در آیات متعددی استفاده از این حق مشروع را بیان نموده است اما به مردم هشدار داده است که نباید در دام دنیا و هوسهای آن

بیفتند لذا قرآن می‌فرماید: «فَلَا تَغُرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا (سوره فاطر/۵)؛ مبادا زندگی دنیا شما را مغرور کند»

در واقع آیه شریفه می‌گوید عوامل سرگرم کننده، و زرق و برقهای دلفریب این جهان می‌خواهد تمام قلب شما را پر کند، و از آن وعده بزرگ الهی غافل سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱ ش، ج ۱۸، ص ۱۸۰)

معصومین(ع) در عین اینکه ما را به توسعه بخشیدن به زندگی دنیا و امکانات آن و استفاده از نعمتهای خدادادی رهنمود داده اند، از تکیه زدن و وابستگی به دنیا نیز ما را سخت بر حذر داشته اند، زیرا دلبستگی به دنیا یعنی فریفتگی به آمال و جلوه‌های مادی و در غلتیدن در کام تمایلات و خواستههای اشباع ناپذیر، حیات طیبه بشر را به خطر می‌اندازد و چشم و دل آدمیان را نابینا و معرفتشان را به ظواهر محدود می‌سازد.

امام کاظم (ع) به هشام می‌فرماید: لقمان به پسرش گفت: «ای پسر! دنیا دریایی است ژرف و جهانی بسیار در آن غرقه اند، باید کشتی تو در این دریای ژرف، تقوای الهی و درونش مالامال از ایمان باشد. و بادبانش توکل و ناخدایش خرد و راهنمایش دانش و لنگرش صبر. (طبرسی، ۱۳۷۱ ش، ص ۲۵۴)»

۶. انجام کارهای خیر

قرآن در دعوت به انجام کارهای خیر می‌فرماید: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ (سوره مائده/۴۸)؛ بسوی نیکی‌ها سبقت بگیرید» و نگذارید که از دست شما فوت شوند.

یعنی شما مسلمانان باید در اطاعت و کارهای پسندیده، بر امتهای پیشین، سبقت بگیرید، این جمله دلالت می‌کند بر اینکه، مبادرت بسوی افعال خیر، واجب است، بنا بر این منظور از افعال خیر همان واجبات است. کسی که: امر را بر استحباب حمل کرده، افعال خیر را اعم از واجبات و مستحبات، می‌داند. (طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۷، ص: ۶۴)

در جای دیگر قرآن مجید می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ (سوره مائده / ۲)؛ در راه نیکی و تقوا به یکدیگر کمک کنید، و بر گناه و دشمنی همیاری نداشته باشید»

یعنی تعاون و همکاری در انجام کارهای خیر باید هم در دعوت به نیکیها و هم در مبارزه با بدیها انجام گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱ ش، ج ۴، ص ۲۵۳).

علی بن جعفر از برادرش امام موسی کاظم (ع) چنین نقل می‌کند: « (روزی) پدرم دست مرا گرفت و فرمود: فرزندم! پدرم محمد بن علی همچنانکه دست تو را گرفته ام دست مرا گرفت و

فرمود: فرزندانم! هر کس از تو کار خیری خواست برایش انجام ده، اگر او اهل آن باشد تو به مقصود رسیده‌ای، و اگر اهلش نباشد، تو خود شایسته و اهل آن خواهی بود (حر عاملی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۲۸؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۹۰؛ ابن ابی فراس، ۱۳۷۸ش، ص ۳۵۱)»

امام صادق (ع) به فرزند خود می‌فرمود: «یا بنی اجعل معروفک فی اهله و کن فیہ طالبا لثواب الله، و کن مقتصدا، ولا تمسکه تقتیرا و لاتعطه تبذیرا» (مجلسی، ۱۳۹۷، ج ۱۳، ص ۴۲۰)؛ فرزندانم نیکی و احسان خود را به اهل آن بکن و در این کار جویای رضا و ثواب الهی باش، در کارهی خیر معتدل باش، نه بشدت امساک و خست نشان ده و نه اسراف و تبذیر کن»

گفتار چهارم: ویژگیهای اجتماعی

۱. شادابی و نشاط

شادابی کودک یکی از عوامل رشد و موفقیت اوست. کودکی که شاداب است، با آرامش و اطمینان خاطر به کار و فعالیت می‌پردازد، دچار اضطراب و تشویش نمی‌شود و در اجتماع با خوش بینی و نشاط زندگی می‌کند. بعکس، افسردگان و کودکان محروم از شادابی، همیشه خسته و فرسوده به نظر می‌رسند و در برابر مسؤولیت‌های فردی و اجتماعی، ناتوان بوده و قادر نیستند به وظایف دینی و دنیایی خود عمل کنند، امام باقر(ع) فرموده‌اند:

«الْكَسَلُ يَضُرُّ بِالْدِّينِ وَالْدُّنْيَا» (مجلسی، ۱۳۹۷ق، ج ۷۸، ص ۱۸۰)؛ کسالت برای دین و دنیای انسان زیان آور است»

پیامبر (ص) درباره شادمان کردن کودک فرمود:

«مَنْ فَرَّحَهُ، فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۹)؛ هر کس، فرزندش را خوشحال کند، خداوند او را در قیامت شاد می‌کند.»

برای حفظ شادابی و نشاط کودک، باید عوامل از بین برنده شادابی را از میان برد. برخی از این عوامل عبارتند از:

ترسها، اخبارها، تویخها، اضطرابها، غم و اندوه‌ها، طلاق، متارکه، اختلافات خانوادگی، نزاعها و کشمکشهای پدر و مادر.

خستگی افراطی ، کم خوابی ، بیخوابی ، دلواپسی ، بیماری ، تحمل درد مداوم .

احساس فشار و تحمیل در زندگی ، بویژه تحمیلی که امنیت او را به خطر اندازد و آرامش روانی او را بر هم زند. یکنواختی زندگی و عدم تنوع که ضمن از بین بردن شادابی و نشاط بر ملال خاطر می افزاید، احساس بی پناهی هنگام درد و بیماری و در موقعی که کودک نیاز به حمایت دارد. (قائمی ، ۱۳۶۶ ش ، ص ۱۹۳)

۲. اعتماد به نفس

از سن چهار سالگی تا هفت سالگی بهترین دوران پرورش شخصیت و ایجاد استقلال و اعتماد به نفس است . کودک در این دوران تمایل به استقلال پیدا می کند و خود را برای مواجهه با مشکلات آماده می گرداند. بچه خردسال در عین اینکه احساس ناتوانی می کند و میل دارد در پناه نیروی برتری آرامش یابد و به او تعلق داشته باشد، اما تمایل به استقلال نیز در باطن ذاتش نهفته است. (امینی ، ۱۳۸۵ ش ، ص ۱۷۶)

لذا پدر و مادر باید مقدمات ایجاد اعتماد به نفس - از قبیل آگاه کردن کودک نسبت به تواناییهای خود، و بر ملا نکردن عیبهایش و ایجاد برنامه در زندگی و نظم در امور - را برای کودک فراهم کنند.

امام کاظم(ع) فرموده‌اند: « يُسْتَحَبُّ غَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ (حر عاملی ، ۱۳۸۹ ق ، ج ۱۵ ، ص ۱۹۸) ؛ کودک بهتر است در کودکی سختی ببیند تا در بزرگسالی بردبار شود»

۳. کار و تلاش

قرآن مجید درباره سعی و تلاش می‌فرماید: « لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (سوره نجم/۳۹)؛ برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست»

درست است که این گونه آیات ناظر به سعی و تلاش برای آخرت و مشاهده پاداش آن در سرای دیگر است، ولی ملاک و معیار اصلی آن، دنیا را نیز در بر می‌گیرد به این معنی که افراد با ایمان نباید در انتظار دیگران بنشینند که برای آنها کار کنند، و مشکلات جامعه آنها را حل نمایند. بلکه خود دامن همت به کمر زده به سعی و تلاش و کوشش برخیزند. (مکارم شیرازی ، ۱۳۸۱ ش ، ج ۲۲ ، ص ۵۵۳)



امام صادق(ع) فرموده‌اند: «کار و تلاش تو برای زندگی باید در حد متعال و آبرومندانه باشد، نه در حد ضایع کردن و سستی و نه مثل حریصی که به دنیا خشنود شده و به آن تکیه کرده است ، بلکه خود را از رتبه انسان سست و ضعیف بالا بگیر، و آنچه برای مؤمن ضروری است تهیه کن ، همانا آنانکه به ایشان مال دادند ولی شکر نکردند، مال ندارند.» (حر عاملی ، ۱۳۸۹ ق ، ج ۱۲ ، ص ۳۰)

بنابراین به دنیا همانند یک وسیله باید نظر کرد تا هدف اصلی که معنویت و آخرت است فراموش نشود و در ضمن یک زندگی آبرومندانه ، هدف اصلی نیز تأمین شود.

۴. چگونگی برخورد با دیگران

۱-۴. پرهیز از استهزا و تحقیر دیگران

قرآن مجید در توبیخ استهزا و تحقیر دیگران می فرماید: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ؛ وای بر هر عیبجوی مسخره کننده‌ای»

برگشت دو واژه همزه و لمزه به یک معنی است، و مفهوم وسیعی دارد که هر گونه عیبجویی و غیبت و طعن و استهزاء به وسیله زبان و علائم و اشارات و سخن‌چینی و بدگویی را شامل می‌شود (مکارم شیرازی ، ۱۳۸۱ ش ، ج ۲۷ ، ص ۳۱۰).

اصولا آبرو و حیثیت اشخاص از نظر اسلام بسیار محترم است، و هر کاری که موجب تحقیر مردم گردد گناه بزرگی است، در حدیثی از پیغمبر اکرم ص آمده است:

«اذل الناس من اهان الناس (مجلسی ، ۱۳۹۷ ق ، ج ۷۵ ، ص ۱۴۲) ؛ ذلیل‌ترین مردم کسی است که به مردم توهین کند.»

علی(ع) به فرزندشان، امام حسن (ع) می‌فرماید: «یا بنی لاتستخفن برجل تراه ابداء، ان کان اکبر منک فعد انه ابوک و ان کان منک فهو اخوک ، و ان کان اصغر منک فاحسب انه ابنک (متقی ، ۱۴۰۹ ق ، ج ۱۶ ، ص ۲۱۷)؛ فرزندم ! هیچگاه (در برخوردهایت) کسی را تحقیر مکن زیرا او یا بزرگ تر از توست که باید او را به جای پدر خود به حساب آوری و یا همانند توست که برادرت می‌باشد و یا کوچک تر از توست که باید او را فرزند خود محسوب کنی.»

۲-۴. حفظ اسرار دیگران

از دیگر مسائل مهمی که فرزند باید در روابط اجتماعی خود با دیگران رعایت کند مسأله حفظ اسرار برادران و دوستان خود می باشد که بی احترامی و بی وفایی به دوستان و سبب ضعف روابط دوستانه و بلکه مایه سلب آبرو و حیثیت خویش است.

اگر در اسلام با غیبت شدیداً مبارزه شده یکی از فلسفه‌هایش این است که غیبت، عیوب پنهانی را آشکار می‌سازد و حرمت جامعه را جریحه دار می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱ ش، ج ۱۴، ص ۴۰۶)

در حدیثی از پیامبر(ص) می‌خوانیم: «**من اذاع فاحشه کان کمبتدئها**؛ کسی که کار زشتی را نشر دهد همانند کسی است که آن را در آغاز انجام داده.» (کلینی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲ باب التعییر) در حدیث دیگری از امام موسی بن جعفر(ع) می‌خوانیم که مردی خدمتش آمد و عرض کرد: فدایت شوم از یکی از برادران دینی کاری نقل کردند که من آن را ناخوش داشتم، از خودش پرسیدم انکار کرد در حالی که جمعی از افراد موثق این مطلب را از او نقل کرده‌اند، امام فرمود:

«گوش و چشم خود را در مقابل برادر مسلمانان تکذیب کن، حتی اگر پنجاه نفر سوگند خورند که او کاری کرده و او بگوید نکرده‌ام از او بپذیر و از آنها نپذیر، هرگز چیزی که مایه عیب و ننگ او است و شخصیتش را از میان می‌برد در جامعه پخش مکن که از آنها خواهی بود که خداوند درباره آنها فرموده: کسانی که دوست می‌دارند زشتیها در میان مؤمنان پخش شود عذاب دردناکی در دنیا و آخرت دارند.» (سوره نور/۱۹)

علی(ع) به فرزندش فرمود: «**ولاتذع سره و ان اذاع سرک** (مجلسی، ۱۳۹۷ ق، ج ۷۴، ص ۲۰۸)؛ اسرار دوستت را فاش مکن اگر چه اسرار تو را فاش کرده باشد.» همچنین در جای دیگر می‌فرمایند: «**و من هتك حجاب غیره انكشفت عورات بینه** (ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۸۴)؛ هر کس پرده (آبرو و شخصیت) دیگری را پاره کند، عیبهای خانواده خودش هویدا گردد.»

۳-۴. پرهیز از ظلم به دیگران

ظلم و ستم از گناهان کبیره است ظلم به دیگران موجب سلب آرامش و امنیت جامعه می‌شود و حد و مرزهای روابط و حقوق اجتماعی افراد را به هم می‌ریزد و منشا نابسامانی‌های عظیمی می‌گردد. کودکان باید در خانواده و از رفتارهای والدین یاد بگیرند که به حقوق دیگران و شخصیت آنها و مال و ثروت و متعلقات آنها احترام بگذارند.



قرآن در مورد عذاب ظالم می فرماید: «أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكَرًا» (سوره کهف/۸۷)؛ اما کسی را که ستم کرده است، مجازات خواهیم کرد سپس به سوی پروردگارش بازمی‌گردد، و خدا او را مجازات شدیدی خواهد کرد.»

مفسرین، ظلم در این آیه را به ارتکاب شرک تفسیر نموده، و تعذیب را عبارت از کشتن دانسته‌اند اما ظاهر از این مقابله این است که مراد از ظلم اعم از این است که ایمان به خدا نیاورد و شرک بورزد، و یا ایمان بیاورد و شرک هم نورزد و لیکن عمل صالح نکند و به جای آن، عمل فاسد کند یعنی فساد در زمین کند. و اگر مقابل، ظلم را مقید به ایمان نکرده بود آن وقت ظهور در این داشت که اصلاً مقصود از ظلم فساد انگیزی در زمین باشد بدون اینکه هیچ نظری به شرک داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۳، ص ۵۰۱)

ابوحمره ثمالی از امام باقر(ع) نقل می‌کند: «هنگامی که پدرم در آستانه رحلت بود مرا به سینه اش چسبانید و فرمود: فرزندم! تو را سفارش می‌کنم به آنچه که پدرم در حال احتضار بمن سفارش فرمود و این وصیتی بود که پدرانش نیز به آن سفارش کرده بودند، سپس امام فرمود: فرزندم مبادا بر کسی که جز خدا یاوری نمی‌یابد ستم روا داری (مجلسی، ۱۳۹۷ق، ج ۷۵، ص ۳۰۸؛ ابن ابی فراس، ۱۳۷۸ش، ص ۳۶۶؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۵۱)».

۴-۴. پرهیز از دشمنی با مردم

پرهیز از مقابله به مثل همواره روش معصومین(ع) بر این بوده که در برابر ستم و یا اسائه ادب دیگران مقابله به مثل نمی‌کردند مگر آنجا که احکام الهی مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد. اما در آنچه که مربوط به مسائل شخصی می‌شد، گذشت داشتند چرا که در عفو و گذشت لذتی می‌یافتند که در انتقام نیست.

علی(ع) به فرزندش می‌فرماید: «فرزندم! بدترین توشه برای آخرت دشمنی با بندگان خداست (ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۶)».

لقمان حکیم به فرزند خود می‌گوید: «فرزندم! بر سر دنیا با مردم جنگ و ستیز مکن که کینه و نفرت تو را به دل خواهند گرفت و به کسی اهنت مکن که تو را خوار و بی‌مقدار سازند و نه (چنان) شیرین باش که تو را بخورند و نه (چنان) تلخ، که تو را به دور افکنند.» (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق، ۳۳۳)

علی(ع) به امام حسن(ع) فرمود: «و لا تطلبن مجازاه اخیک و ان حثا التراب بفیك (مجلسی، ۱۳۹۷ق، ج ۷۴، ص ۲۰۹)؛ فرزندم! در پی انتقامجویی از برادرت مباش گرچه به دهانت خاک بپاشد.»

علی(ع) به فرزند خود امام حسن(ع) می‌فرماید: «**وَاطِعِ اَخَاكَ وَ اِنْ عَصَاكَ وَصَلَهُ وَ اِنْ جَفَاكَ** (ابن شعبه حرانی ، ۱۴۱۶ق ، ص ۸۲ ؛ متقی ، ۱۴۰۹ ق ، ج ۱۶ ، ص ۱۸۲) ؛ و از برادرت اطاعت کن گر چه نافرمانی تو را کرده باشد و با او پیوند داشته باش اگر چه به تو جفا کرده باشد.»

علی(ع) به امام حسن(ع) می‌فرماید: «چون برادرت از تو ببرد خود را وادار به پیوند با او کن ، و چون از تو روی گرداند به لطف و مهربانی و درخواست ارتباط و دوستی با او روی آور. و هنگامی که خست و بخل نشان دهد تو بخشش و احسان کن . و چون دوری کند تو نزدیک کن و چون نسبت به تو درستی ورزد تو نرمش کن ، و چون نسبت به تو خطایی مرتکب شود، از او عذر خواهی کن ، به صورتی که گویا تو بنده او هستی و او ولی نعمت تو است ، و مبادا این خوشرفتاری را نا به جا به کارگیری و با کسی که اهل آن نیست چنین رفتار کنی(مجلسی ، ۱۳۹۷ ق ، ج ۷۴ ، ص ۲۰۹)»

گفتار پنجم: ویژگیهای علمی

منظور از ویژگیهای علمی برخورداری از تواناییها و به دست آوردن علومی است که در جامعه موجب شکوفایی و رشد فرزند در زندگی دنیوی و اخروی بشود همچون برخورداری از علوم و فنون و مهارتهای اجتماعی و نیز برخورداری از علوم دینی که در این بخش از تحقیق به این نکات خواهیم پرداخت.

۱. برخورداری از علوم و فنون و مهارتهای اجتماعی

از نظر اسلام، با توجه به شرایط سنّی و آمادگی ذهنی کودک، آموزش او در زمینه های گوناگون توصیه و تأکید شده است، امام صادق(ع) فرمود:

« **الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ** (حر عاملی، ۱۳۸۹ ق ، ج ۱۵ ، ص ۱۹۴) ؛ کودک تا هفت سالگی بازی کند، هفت سال دوم قرآن بیاموزد و هفت سال دیگر حلال و حرام را فراگیرد.»

در زمینه آموزش علمی کودک ، اگر وی قادر به حفظ مطالب و دریافت آن از طریق ذهن نیست ، باید مسائل مورد نیاز را به رشته تحریر درآورد تا از آن در موقع مناسب بهره گیرد. امام حسن مجتبی(ع) به فرزندان و برادر زادگانش فرمود: «**إِنَّكُمْ صِغَارٌ قَوْمٍ وَ يُوشِكُ أَنْ**



تَكُونُوا كِبَارَ قَوْمٍ آخِرِينَ، فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ، فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ أَنْ يَحْفَظَهُ فَلْيَكْتُبْهُ
وَلْيُضَعِّهْ فِي بَيْتِهِ (مجلسی، ۱۳۹۷ ق، ج ۲، ص ۱۵۲)؛ همانا شما (امروز) فرزندان گروهی
هستید و امید می رود که فردا رهبران و بزرگان گروهی دیگر (آیندگان) باشید، بنابراین
، دانش بیاموزید و هر کدام حافظه قوی ندارید، آن را بنویسید و نوشته ها را نگهداری کنید.»
یادگیری مهارت‌های مختلف اجتماعی که در هر عصری ضرورت خاص خود را دارد، امری مهم
تلقی می شود. به عنوان مثال سوارکاری، تیراندازی و شناگری از ضروریات زندگی صدر
اسلام بود و اسلام بدان اهمیت ویژه ای می داد، حضرت علی(ع) فرموده اند:
«عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَالرَّمَايَةَ (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۷)؛ به فرزندانان، شنا و
تیراندازی بیاموزید.»

۲. آموزش نظامی

کودکان و نوجوانان امروز، مردان آینده اند. و باید برای اهداف جامعه اسلامی تربیت و آمادگی
لازم را پیدا کنند. یکی از اهداف جامعه اسلامی حفظ توان و استعداد رزمی و دفاعی در برابر
دشمنان است. زیرا خطر تهاجم نظامی دشمنان همیشه وجود دارد و به تعبیر قرآن: «وَلَا
يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ (سوره بقره / ۲۱۷)؛ آنها (دشمنان) پیوسته
باشما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند.» از این رو پدران و مربیان جامعه
وظیفه دارند فرزندان جامعه اسلامی را با مسائل نظامی و دفاعی آشنا سازند.

قرآن در این مورد چنین می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ
الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ (سوره انفال / ۶۰)؛ در برابر آنها (دشمنان) آنچه توانایی
دارید از "نیرو" آماده سازید (و همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمن
خدا و دشمن خویش را بترسانید»

مطلب فوق امر عامی است به مؤمنین که در قبال کفار به قدر توانایشان از تدارکات جنگی که
به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند، به مقدار آنچه که کفار بالفعل دارند و آنچه که توانایی
تهیه آن را دارند. (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۹، ص ۱۵۱)

لذا با توجه به توصیه های قرآن همانطور که اشاره شده باید فرزندانمان را با ابزارها و شیوه های
دفاعی آشنا کنیم، شنا و تیراندازی دو مهارت دفاعی مهمی هستند که در روایات اسلامی بر آنها
تاکید فراوان رفته است: روزی پیامبر اکرم(ص) در پاسخ به ابورافع در مورد حق فرزند بر پدر
چنین فرمودند: «حَقَّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَعْلَمَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَالرَّمِيَّ وَالسَّبَّاحَةَ (متقی،

۱۴۰۹ ق ، ج ۱۶ ، ص ۴۴۴؛ ابی نعیم اصفهانی ، ۱۴۱۳ق ، ج ۱ ، ص ۱۸۴) ؛ حق فرزند بر پدر آن است که او را با کتاب آشنا سازد و تیراندازی و شنا به او بیاموزد.»

حضرت علی(ع) از پیامبر(ص) چنین روایت می‌کند: « **عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَالرَّمَايَةَ** (حر عاملی ، ۱۳۸۹ ق ، ج ۱۵ ، ص ۱۹۴)؛ فرزندان خود را با شنا و تیراندازی تعلیم دهید.» همچنین جابر از پیامبر(ص) روایت کرده که: « **عَلِّمُوا بَيْنَكُمْ الرَّمِي فَاِنَّهُ نَكَايَةُ الْعَدُوِّ** (متقی، ۱۴۰۹ ق ، ج ۱۶ ، ص ۴۴۳)؛ به فرزندان خود تیراندازی یاد دهید که این عمل خود سرکوب کردن دشمنان و پیروزی بر آنهاست»

۳. برخورداری از علوم دینی

باید آموزش دینی را از زمان کودکی آغاز نمود تا مذهب و تعالیم دینی بطور جدی با زندگی فرد آمیخته شود و این ویژگی در او پدید آید و کودک هم در سایه آن ، اعتماد به نفس ، آرامش روان ، نظم و انضباط، صلاح و خوبیها، روحیه ایثار و فداکاری به دست آورد و از جرم و جنایت و بزهکاری دوری جوید.

اگر پدر و مادر در زمان مناسب با آموزشهای دینی به هدایت کودکان نپردازند، خطر انحراف دینی ، و فساد عقیده ، آنان را تهدید خواهد کرد. امام صادق(ع) فرمود:

«**بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِيَّةُ** (کلینی ، ۱۴۱۳ق ، ج ۶ ، ص ۴۷)؛ پیش از آنکه مرجئه از شما پیشی گیرند، به حدیث آموزی فرزندانتان اقدام کنید.»

پیشوایان دین ، به امر آموزش دینی کودکان در مسائل اعتقادی و احکام عملی تاءکید داشتند. امام باقر(ع) فرموده‌اند: « در دو سالگی کلمه توحید (لا اله الا الله) را و در چهار سالگی (محمد رسول الله) را به او (کودک) یاد دهند و در پنج سالگی روی او را به قبله متوجه کنند و به او بگویند که سر به سجده بگذارد. بعد از شش سالگی ، رکوع و سجود صحیح را به او بیاموزند و در هفت سالگی به طفل بگویند که دست و رویت را بشوی و نماز بگذار و چون نه ساله گردد، وضو یادش دهند.» (طبرسی ، ۱۳۷۱ش ، ص ۲۲۲)

پدر و مادر و نیز مربیان تربیتی باید توجه داشته باشند که آموزش دینی کودکان ، با سن و مقتضای سنی و عقلی آنان مطابقت داشته باشد. آنچه که به یک دختر ده ساله آموخته می شود، هرگز به پسر آموخته نمی شود. و نیز دختر ده ساله (برای مثال) باید بیش از پسر ده ساله به مسائل دینی خود آگاه باشد؛ پس به آموزش دینی بیشتری نیاز دارد.

۴. ارتباط با علما و دانشمندان

از آنجا که دانشمندان می توانند نقش بسزایی در تربیت داشته باشند ارتباط با آنان بسیار سازنده خواهد بود دانشمندان نزد خداوند مقامی بس رفیع دارند قرآن می فرماید: « **إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ** (فاطر ۲۸) ؛ تنها بندگان عالم و دانشمندانند که از خدا می ترسند»

این حالت " خشیت " در دانشمندان مولود سیر در آیات آفاقی و انفسی و آگاهی از علم و قدرت پروردگار، و هدف آفرینش است. (مکارم شیرازی ، ۱۳۸۱ ش، ج ۱۸، ص ۲۴۷)

یکی از وظایف اخلاقی و تربیتی هر پدر نسبت به فرزند آنست که او را با علما و دانشمندان علوم دینی و اسلامی آشنا سازد، و فرزندش را به منزل و محفل آنان ببرد. زیرا همنشینی با علما علاوه بر آشنایی با آنان آثار تربیتی و اخلاقی و برکات فراوانی هم در بر دارد. و جای تردید نیست که اصل نزدیکی و انس و الفت با هر کسی در انتقال صفات و روحیات او به دیگران تاثیر متناهی دارد. بویژه که آن شخص عالمی متعهد و دانشمندی وارسته باشد و در راه اسلام گام بردارد. پس بر پدر است که فرزند را با سیمای واقعی علمای راستین آشنا و علاقه مند سازد و این خود در آینده زندگی فرزند سهم بسزایی خواهد داشت.

امام علی(ع) در وصیتی به فرزندش امام حسین (ع) می فرماید: « **و من خالط العلماء وقر** (ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۴)؛ هر که با علما و دانشمندان معاشرت داشته باشد با وقار گردد و مورد تکریم قرار گیرد.»

لقمان حکیم به فرزندش می گوید: « **یا بنی صاحب العلماء و جالسهم و زرهم فی بیوتهم لعلک تشبههم فتکون منهم** (مجلسی ، ۱۳۹۷ ق، ج ۱۳، ص ۴۳۲ و ج ۷۵، ص ۴۵۸)؛ فرزندم ! با علما دوست و همنشین شو، در منزلشان به دیدار آنها برو، امید است که به آنان شباهت پیدا کنی و از آنان شوی.»

نتیجه

با توجه به بررسی هایی که در خصوص ویژگیهای فرزند صالح در سبک زندگی اسلامی در این تحقیق به آنها پرداخته شد یافته های تحقیق حاضر به شرح ذیل می باشد.

ویژگیهای اخلاقی فرزند در سبک زندگی اسلامی را می توان عبارت دانست از: صداقت، احترام و خدمت گذاری به والدین، تقوی، امانت داری و پرهیز از دنیا پرستی و انجام کارهای خیر.

ویژگی های اجتماعی فرزند صالح در سبک زندگی سلامی باعث می شود تا وی با شادابی و نشاط و اعتماد به نفس به تلاش و سعی بپردازد و در برخورد با افراد جامعه از روش صحیح اسلامی تبعیت نماید. پدر و مادر باید مقدمات ایجاد اعتماد به نفس - از قبیل آگاه کردن کودک نسبت به تواناییهای خود، و بر ملا نکردن عیبهایش و ایجاد برنامه در زندگی و نظم در امور - را برای کودک فراهم کنند. ویژگی های علمی درست و متناسب با نیازهای کودکان و نوجوان نقش مهمی در سرنوشت آینده آنان ایفا می کند، زیرا اساس انسان را فکر و فرهنگ او می سازد و اگر این فکر و فرهنگ مبتنی بر آگاهیهای مستند و مستدل دینی باشد زندگی جهت دینی و الهی پیدا می کند. از این رو تعلیم مسائل دینی و احکام مذهبی به کودکان در روشنگری ذهن آنان و ایجاد علاقه به امور دینی و استواری در دینداری بسیار حائز اهمیت است. آموزش دینی را از زمان کودکی آغاز نمود تا مذهب و تعالیم دینی بطور جدی با زندگی فرد آمیخته شود و این ویژگی در او پدید آید و کودک هم در سایه آن ، اعتماد به نفس ، آرامش روان ، نظم و انضباط، صلاح و خوبیها، روحیه ایثار و فداکاری به دست آورد و از جرم و جنایت و بزهکاری دوری جوید از ویژگیهای علمی فرزند صالح در سبک زندگی اسلامی می توان به موارد ذیل اشاره نمود: برخورداری از علوم و فنون ومهارتهای اجتماعی، برخورداری از علوم دینی، ارتباط با علما و دانشمندان.



فهرست منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن ابی فراس، ورام، مجموعه ورام، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه، ۱۳۷۸ ش.
۳. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵. اصفهانی، ابی نعیم، حلیه الاولیاء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.
۶. امینی، ابراهیم، آیین تربیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۹ ق.
۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۹. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، انتشارات نسیم حیات، چ دوم، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تهران: انتشارات مرتضوی، چ دوم، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم المشهور بتفسیر المنار، گرد آورنده ابراهیم شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۱۲. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، بیروت: دار المفید، چ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. شیرازی، ناصر مکارم، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ۲۱، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. صدوق، محمد بن علی، الامالی، بیروت مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ ق.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، سنن النبی (ص)، قم، انتشارات تهذیب، ۱۳۸۴ ش.
۱۷. _____، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۹۳ ق.
۱۸. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، دارالعلم، قم، ۱۳۷۱ ش.
۱۹. طبرسی، ابو علی الفضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق، گروهی از علماء و محققین، بیروت لبنان: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چ اول، ۱۴۱۵ ق.

۲۰. طریحی ، فخر الدین ، مجمع البحرين ، بیروت ، مکتبه الهلال ، ۱۹۸۹ م .
۲۱. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، امالی، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. فاضلی، محمد، مصرف و سبک زندگی، قم ، صبح صادق، ۱۳۸۲ ش
۲۳. قائمی ، علی ، پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، تهران، انتشارات امیری، چاپ ششم ۱۳۷۱ ش.
۲۴. _____ ، خانواده و نیازمندیهای کودک، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۶ ش.
۲۵. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب العلمیه، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش
۲۶. کارل، الکسیس، انسان موجود ناشناخته، الهام، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۲۷. کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم ، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ ش
۲۸. کلینی ، محمد بن یعقوب ، اصول کافی ، تحقیق: فقیه، محمد جواد ، تصحیح : بقاعی ، بیروت : دار الاضواء ، چ اول، ۱۴۱۳ ق.
۲۹. متقی، علی بن حسام الدین ، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال ، موسسه الرساله ، ۱۴۰۹ ق.
۳۰. مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار ، تهران : دار الکتب الاسلامیه ، ۱۳۹۷ ق.
۳۱. مصطفوی، حسن ، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، چاپ اول ۱۴۲۱ ق.
۳۲. نوری، طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چ اول ، ۱۴۰۸ ق.
۳۳. Oxford wordpower dictionary، تهران، رهنما، ۲۰۰۶ م
۳۴. Merriam - webster's collegiate dictionary، تهران، ابتداء، ۲۰۰۲ م
۳۵. www.wikipedia